

سیاستمداران



انتقاد بورل از کشتار در غزه

جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با انتشار پیامی در ایکس نوشت: ارتش اسرائیل که وظیفه حفاظت از غیرنظامیان را بر عهده دارد، همچنان به برجای گذاشتن «تلفات سنگین غیرنظامی» در نوار غزه ادامه می‌دهد. بورل گفت: حمله به اردوگاه آوارگان «المغازی» در نوار غزه یکی از «مرگبارترین انفجارها» بود. وی افزود: این حمله منجر به آواره شدن ۱۵۰ هزار نفر دیگر شد. بورل در ادامه خواستار «توقف موقت» فوری درگیری‌ها در نوار غزه شد. این اظهارات پس از آن بیان شد که ارتش رژیم صهیونیستی پنجشنبه اعتراف کرد، حمله هوایی ۲۴ دسامبر به اردوگاه المغازی منجر به شهادت ده‌ها فلسطینی بی‌گناه شد. وزارت بهداشت فلسطین در این باره اعلام کرده بود که بمباران اردوگاه المغازی دست کم ۱۰۰ شهید بر جای گذاشته است.



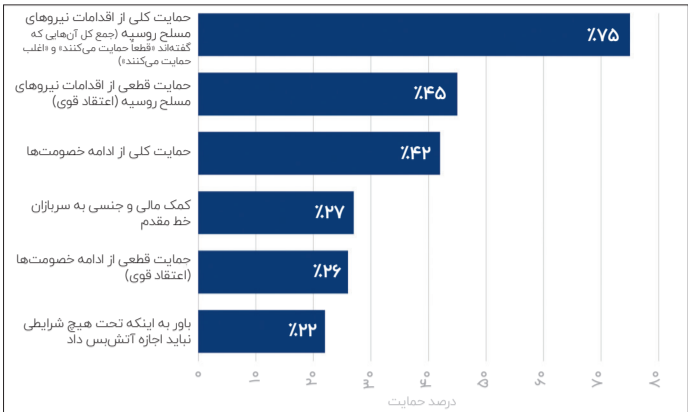
آمریکا از عراق بروی

دبیرکل سازمان بدر عراق تأکید کرد، ناتوانی صهیونیست‌ها از تحقق پیروزی نظامی در غزه باعث شد دست به کشتار فلسطینی‌ها بزنند. هادی العامری، دبیرکل سازمان بدر عراق گفت: تجاوزات آمریکا در عراق همچنان تکرار می‌شود همانطور که اخیراً شاهد حملات آمریکا بودیم. برای همین با کسی تعارف نداریم و خواهان خروج نیروهای آمریکایی هستیم. از دولت می‌خواهیم جدول زمانی مشخصی را برای خروج نیروهای خارجی از عراق مشخص کند. کسی که ادعا می‌کند نیروهای امنیتی عراق قادر به حفاظت از کشور نیستند، خیانتکار است. تا زمانی که نیروهای اشغالگر در عراق هستند این به معنای خونریزی بیشتر است و نمی‌توان توانایی‌های نظامی را ارتقا داد. آمریکایی‌ها عراق را حتی از تعمیر هلیکوپترها منع می‌کنند. به نقل از روزنامه القدس العربی، وی گفت: باید برای حفظ خون فرزندان مان به‌ویژه اعضای مقاومت و حفظ ثبات عراق جدول زمانی واضحی برای خروج آمریکایی‌ها ایجاد کنیم. نیروهای امنیتی و ارتش عراق قادر به حفظ امنیت هستند و نیازی به نیروهای خارجی نداریم. کسی که می‌گوید ما به ابغای نیروهای آمریکایی نیاز داریم، شکست خورده، ترسو و مزدور است.

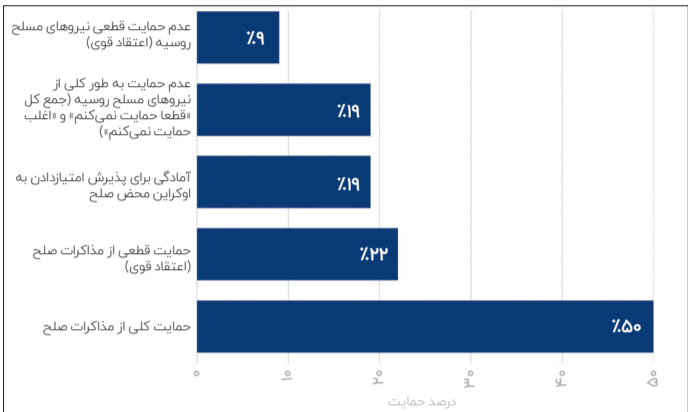


هشدار یمن به آمریکا

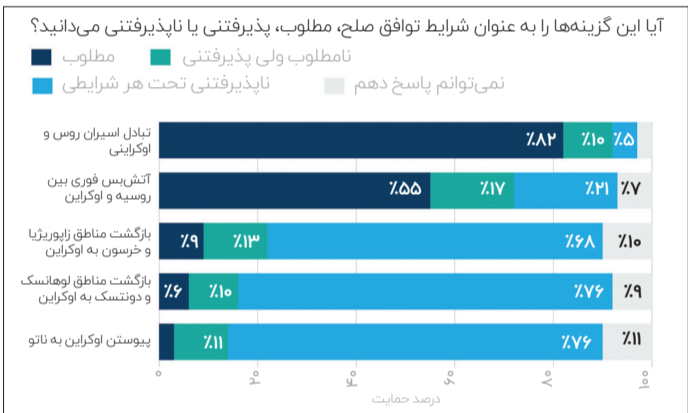
سختگوی نیروهای مسلح یمن به آمریکا نسبت به تشدید تنش‌ها علیه یمن یا مشارکت دادن کشورها به حفاظت از کشتی‌های رژیم صهیونیستی هشدار داد. سرتیپ یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن روز جمعه به آمریکا نسبت به عواقب هرگونه تشدید تنش علیه کشور و مردم یمن هشدار داد. سرتیپ سریع در حساب کاربری خود در پلتفرم «ایکس» گفت: در این مرحله مهم از تاریخ مردم یمن و تاریخ ملت عربی و اسلامی، نیروهای مسلح یمن موارد زیر را تأیید می‌کنند: هشدار اول نیروهای مسلح یمن به دشمن آمریکایی نسبت به عواقب هرگونه تشدید تنش علیه کشور و مردم ما و هشدار دوم ما به همه کشورهای است که آمریکایی‌ها سعی می‌کنند آنها را به حفاظت از کشتی‌های دشمن صهیونیستی بکشاند. وی تأکید کرد: موضع یمن در قبال مسئله فلسطین «استوار و اصولی» است و صرف‌نظر از تحولات و اینکه چالش‌ها چقدر بزرگ باشند، تغییر نخواهد کرد. سرتیپ سریع افزود: نیروهای مسلح یمن از نظر نظامی برای مقابله با هرگونه تجاوز به کشور و مردم یمن کاملاً آماده هستند. سرتیپ سریع خطاب به واشنگتن گفت: باید هشدارهای رهبر جنبش انصارالله را در نظر بگیرید.



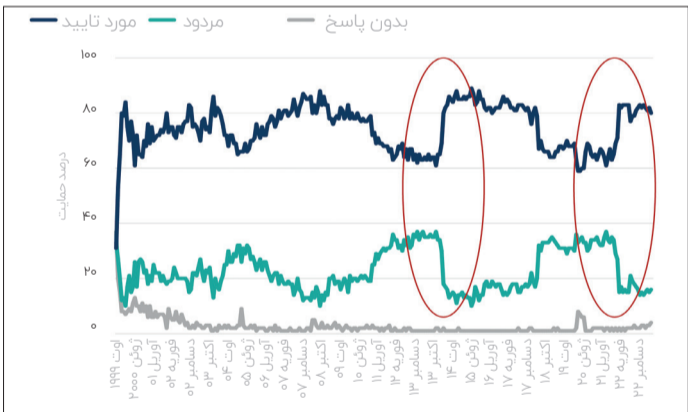
نمودار ۱. حمایت روس‌ها از «عملیات ویژه نظامی»



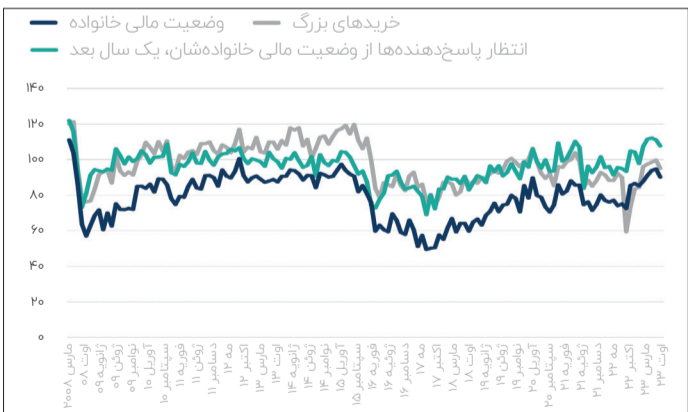
نمودار ۲. دیدگاه‌های ضد جنگ روس‌ها



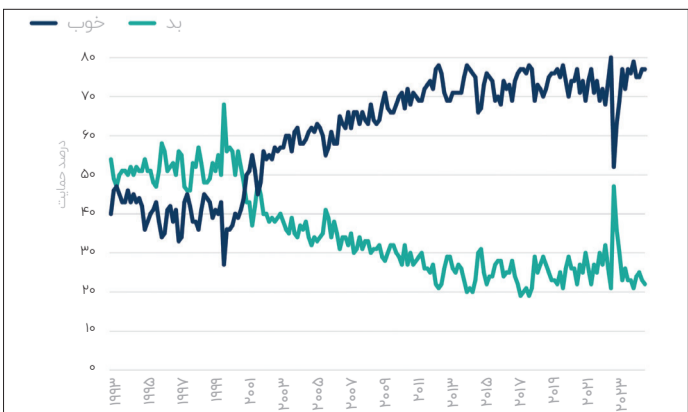
نمودار ۳. آیا این گزینه‌ها را به عنوان شرایط توافق صلح، مطلوب، پذیرفتنی یا ناپذیرفتنی می‌دانید



نمودار ۴. میزان حمایت از ولادیمیر پوتین، از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۲۳



نمودار ۵. ارزیابی روس‌ها از وضعیت اقتصادیشان



نمودار ۶. ارزیابی روس‌ها از حالشان، از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۲۳

هم چنین پدیده‌ای در این کشور دیده شده است. بیشتر مردم روسیه هم ماجرا را نه درگیری بین روسیه و اوکراین که درگیری بین روسیه و غرب می‌بینند. مقامات روس هم با تأکید بر برداشته‌های منفی از غرب و تاریخ تقابل با آن، مکرراً این تقابل «وجودی» توصیف می‌شود.

این گزارش همچنین اشاره می‌کند که ضربه اصلی تحریم‌ها بنا بوده به شهروندانی «غربی‌شده» خورده باشد که پس‌اندازهایی به واحد پول خارجی داشته‌اند یا خارج از کشور صاحب ملک بوده‌اند، اما این گروه جمعیت ناچیزی بوده‌اند که بسیاری‌شان یا از کشور گریختند یا منابع کافی در داخل کشور داشتند که با شرایط جدید کنار بیایند. در عین حال، ضربه اقتصادی و مالی برای بیشتر جمعیت روسیه، محدود بوده است و البته برخی سیاست‌ها نیز به کمک کم‌کردن این ضربه آمده‌اند، از قبیل افزایش حداقل حقوق و بازشتستگی و یارانه‌ها و حتی کمک‌های مالی مستقیم به کسانی که به جبهه رفته‌اند. البته گزارش اشاره می‌کند که میزان این کمک‌ها باید در سال آینده با نرخ تورم بررسی شوند. در هر حال، به عبارتی، خرج کردن پول از سوی دولت تا حد زیادی روی تداوم نظرات اثر داشته است و البته همه این‌ها حاصل کنترل دولت روی اقتصاد و تقویت رویکردهای قیمومیتی در جامعه روسیه برای دولت بوده است.

بیشتر روس‌ها، طبق این تحلیل می‌دانند که جنگ به زودی پایان نخواهد یافت و از این رو بیشتر بر زندگی خودشان متمرکز هستند. دولت هم با خودداری از اعلام موج‌های جدید بسیج نیروها در کنار تبلیغات و خرید حمایت مردمی، این وضعیت آرامش و بی‌تفاوتی را حفظ می‌کند. این روند البته در نهایت، نقایص خود را نشان خواهد داد، اما دولت نشان داده لاقفل در کوتاه‌مدت برای ممانعت از تحولات منفی توانایی داشته است. هر چند با تغییر احتمالی در این سیاست‌ها، به خصوص در خدمت حمایت بیشتر از جنگ، احتمالاً نظرات نیز تغییر کند. عاملی که جدی‌ترین تأثیر منفی را در دیدگاه‌ها داشته است، اعلام بسیج نیرو برای جنگ در سپتامبر ۲۰۲۲ بوده است که نشان می‌دهد، چنین تأثیر مستقیمی روی روند زندگی شخصی افراد است که شهروندان را تکان داده و شاید باز هم تکان بدهد. نه شکست‌ها در میدان نبرد و نه تأثیرات اقتصادی، پیامد مشابهی نداشته‌اند. در عین حال، شایع‌ترین دلیل برای بسیج نیروها نیز نسبتاً با سرعت زیادی شوک شد و وضعیت نظرات دوباره ثبات یافت. به نظر هم می‌رسد دولت از این اتفاق درس گرفته است و اکنون بیشتر در قالب سربازان قراردادی یا داوطلبان، نیرو جذب می‌کند. تبلیغات برای جذب نیرو البته برای بسیاری ناخوشایند بوده اما از اعزام اجباری، بسیار مطلوب‌تر بوده است. کلید اصلی به نظر، میزان ایجاد اختلال در روند زندگی روزمره شخصی افراد است و تمرکز دولت نیز بر محدودیت اثرات بر آن تا حد ممکن.

در مجموع، دو نظر متضاد در افکار عمومی روسیه رواج دارد: یکی اینکه با هزینه‌ها و تلفات بسیاری که روسیه متحمل شده، چیزی جز پیروزی کافی نیست و باید کار تا پایان دنبال شود و دیگری اینکه هزینه‌ها و تلفات بسیار، به معنای این هستند که کار باید متوقف شود. یک‌سوم حامیان ادامه درگیری نظر اول را دارند و حدود نیمی از حامیان مذاکرات صلح، نظر دوم را. به عبارتی، گرچه بسیاری از این جنگ خسته‌اند، درباره نحوه پایان آن، اختلاف نظر دارند. در عین حال، بیشتر نظرات به سمت تأیید هر آنچه دولت می‌گوید است، تا حدی که حمایت از برخی سیاست‌های سرکوب‌گرانه و محدودکننده دیگر دولت هم بیشتر شده است. دوسوم پاسخ‌دهندگان هم گفته‌اند، کم‌وبیش از دوست یا هم‌خانواده‌ای که تصمیم به رفتن به جبهه بگیرد، حمایت خواهند کرد. ۵۳ درصد رفتن از کشور برای پرهیز از اعزام اجباری به جنگ را نمی‌پسندند و این هم نشانه دیگری است از وجود حس وظیفه و تعریف آن به شکل همراهی با دولت در مقابل خطر خارجی.

در عین حال برخی نظرسنجی‌ها هم از تردید در میان مردم خبرهایی دارند. در صورت وجود امکان بازگشت به عقب، ۴۸ درصد باز هم از حمله حمایت می‌کردند اما ۳۹ درصد نه. عدد دوم نزدیک به ۴۱ درصدی روس‌هایی است که معتقدند ضرر این جنگ از نفعش بیشتر بوده است، در حالی که ۳۸ درصد برعکس این فکر می‌کنند. به عبارت دیگر، بسیاری ضمن پذیرش صدمات کار دولت، از آن حمایت می‌کنند. به عقیده نویسندگان این مقاله، «این وضعیت گویای سازوکار پشت تصمیم‌گیری مردم است: در مقابل هر چیزی که دولت تصمیم بگیرد، تسلیم می‌شوند. بسیاری از روس‌ها، کشورشان را با رژیم سیاسی حاکم بر آن یکی می‌دانند.» در توضیح بیشتر آمده است: «برای بسیاری، منافع دولت، به‌خصوص در سطح نمادین، (مثل سرود ملی، پرچم روسیه، رئیس‌جمهور و نیروهای مسلح) با منافع ملی یکی دانسته می‌شوند. «عملیات ویژه نظامی» این پدیده را آشکار کرده است: در حالی که در مسائل روزمره اعتماد اندکی به مقامات وجود دارد، همچنان دولت به‌عنوان دولتی که در حال نبرد «دفاعی» و «آزادی‌بخش» در مقابل «حمله» دشمنی خیالی به سرزمین اجدادی است، مقدس شمرده می‌شود.»

بی‌میل هستند. این مقاله همین جا به غلط‌از‌کار آمدن یک پیش‌بینی در ابتدای جنگ اشاره می‌کند: «هیچ‌کدام از پیش‌بینی‌های خام که نارضایتی حاصل از تحریم و محدودیت‌های تحمیلی دوران جنگ بر زندگی روزمره، رژیم ولادیمیر پوتین را پایین خواهند آورد، به جایی نرسیدند. از بسیاری جهات، برعکس این اتفاق افتاده است. بیشتر روس‌ها شاید با رژیم هم‌ذات‌پنداری نداشته باشند، اما دور کرملینی جمع شده‌اند که به باورش‌ها با چنگ‌و‌دندان علیه غربی می‌جنگد که به دنبال نابودی روسیه است.» در ادامه این مقاله دسته‌بندی‌های موضوع مردم چنین توصیف می‌شود: «طبعاً، برخی روس‌ها از وضعیت ناراحتند. میلیون‌ها نفر مخالف استبدادگرایی و خون‌ریزی و بعضی‌ها ایشان علناً دیدگاه‌هایشان را بیان و مقاومت می‌کنند. کسانی هم هستند که «وطن‌پرستان توریو» خوانده می‌شوند و صادقانه و تهاجمی از پوتین حمایت می‌کنند، اما اکثریتی بالا، بی‌تفاوت هستند و صرفاً منفعلانه و خودکار «بیشتر» آنچه رژیم انجام می‌دهد «حمایت» می‌کنند و در عین حال منتظرند «این اوضاع» تمام شود. این بخش از جمعیت، انتخاب کرده‌اند بی‌تفاوت باشند. می‌توان وضعیت آن‌ها را «بی‌تفاوتی آموخته» خواند... اکثریت بی‌تفاوت جز اینکه صبر کنند این دوران سخت بگذرد، کار چندانی نمی‌توانند بکنند. در عین حال، نظر افکار عمومی در روسیه کاملاً هم ایستا نیست و ارزش بررسی نزدیک‌تر را دارد.»

به روایت این مقاله، نویسندگان به دنبال گزینش نظرسنجی‌های مؤید یک ایده از پیش انتخاب‌شده نرفته‌اند و سعی کرده‌اند تمام داده‌های موجود را بررسی و منطق‌شان را ارزیابی کنند. نکته قابل توجه در این بررسی این بوده که حامیان سوالات باز درباره نبرد در حال وقوع، در شروع ماجرا آن را «عملیات نظامی ویژه» خوانده‌اند که عبارت رسمی دولت روسیه درباره این نبرد است و مخالفتش «جسورانه» آن را چیزی که هست خوانده‌اند: «جنگ». اما تا پایان ۲۰۲۲، این تفاوت‌ها در عبارات عملاً از بین رفتند. مقاله اشاره می‌کند که در حرف‌های حامیان جنگ روسیه اغلب آمده که سربازان روسی جنگ «پسران ما، مبارزان ما هستند، چطور از شان حمایت نکنیم؟» برخی از حامیان نسبی ضمن اشاره به اینکه «جنگ بد است» گفته‌اند به هر حال باید از کسانی که از خودشان هستند، حمایت کنند یا اینکه راه دیگری نبوده است. شایع‌ترین دلیل برای حمایت از جنگ، ایده‌های وطن‌دوستانه با ۱۹ درصد بوده‌اند. دفاع از روسیه، نابودی ملی‌گرایان اوکراینی (یا فاشیست‌ها و نازی‌های اوکراینی و امثال این‌ها) و دفاع از روس‌زبان‌های دونباس دلایل بعدی با حدود ۱۴ تا ۱۶ درصد. تفاوت چندانی از این لحاظ بین حامیان قاطع و کسانی که حمایت ضعیف‌تری داشته‌اند، در کار نبوده است. در میان مخالفان جنگ، شایع‌ترین دلایل، ایده‌های انسان‌دوستانه بوده‌اند: مخالفت کلی با جنگ و حمایت کلی از صلح با ۲۲ درصد، اشاره به جان‌باختگان و آسیب‌دیدگان چه از ارتش و چه از غیرنظامیان اوکراینی با ۲۱ درصد. ۱۳ درصد هم به مسئولیت روسیه در این وضعیت اشاره صریح داشته‌اند. فقط حدود ۱۰ درصد از پاسخ‌دهندگان نظری درباره سوالات اصلی، یعنی حمایت از سربازان روس، گفت‌وگوهای صلح در مقابله ادامه خصومت و قابل‌قبول بودن ایده‌های مختلف مصالحه، ندادند. این مقاله می‌نویسد: «این عدد مهم است چون برخی پژوهشگران این عدد را به شکل مصنوعی تا حد یک‌سوم جمعیت بزرگ کرده‌اند و بعد از آن به عنوان مخالفت با جنگ دسته‌بندی کرده‌اند... از نگاه ما، دیگر پاسخ‌های این پاسخ‌دهندگان مشخص می‌کند که با دقت در حال پیگیری وقایع در جریان نیستند.»

در ادامه آمده است، پیشتر درصد بسیار پایینی از روس‌های مخالف جنگ آماده شرکت در اعتراض علیه آن بوده‌اند و هنوز هم همین‌طور است. احتمال گفت‌وگو با اعضای خانواده درباره اتفاقات اوکراین، بین مخالفان جنگ بسیار کمتر از حامیان بوده است: ۲۹ درصد در مقابل ۵۰ درصد؛ تا چه رسد به ابزار مواضع در مقابل افراد دیگر: ۹ درصد در مقابل ۱۶ درصد. نویسندگان این برداشت را تأکیر می‌دانند که جامعه روس به این نتیجه رسیده است: اعتراض بی‌حاصل است و مقامات هر کاری بخواهند می‌کنند. این در اتفاقاتی در سال‌های اخیر هم خود را نشان داده است، وقتی نمونه‌های شکل‌گیری اعتراضات فرونشستند یا قاطعانه سرکوب شدند. این مقاله همچنین نتیجه می‌گیرد که بررسی روندهای شاخص‌های دیگر، مانند شاخص حمایت از عملکرد دولت، مواضع مردم و انتظارات از آینده، حمایت موجود از جنگ روسیه را قابل انتظارتر می‌کند، چنان که برای مثال، از زمان شروع اتهامات متقابل پیش از جنگ، شاخص حمایت از عملکرد پوتین رو به افزایش گذاشت. مشخصاً اشاره می‌شود که افزایش حمایت از پوتین بعد از شروع جنگ، شباهت با روند بعد از انضمام کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ داشت. چنان که اشاره شده است، جمع شدن زیر پرچم دولت مستقر با آغاز درگیری نظامی، پدیده‌ای منحصر به روسیه هم نیست و در نمونه‌های متعدد در نقاط مختلف دنیا مشاهده شده است؛ بلکه حتی در تاریخ روسیه هم بی‌سابقه نیست، چنان که پس از آغاز جنگ جهانی اول